



قضا و کفارہ بر کسی که روزه خود را به عمد باطل کند واجب است

به گزارش شبکه اطلاع رسانی اجتهاد، حضرت آیت الله حسین نوری همدانی، استاد درس خارج فقه حوزه علمیه قم، در ادامه جلسات درس خارج فقه خود که با موضوع مبطلات روزه در مسجد اعظم قم برگزار می‌شود...

به گزارش شبکه اطلاع رسانی اجتهاد، حضرت آیت الله حسین نوری همدانی، استاد درس خارج فقه حوزه علمیه قم، در ادامه جلسات درس خارج فقه خود که با موضوع مبطلات روزه در مسجد اعظم قم برگزار می‌شود، به بررسی دو مساله استهلاك خون در دهان و حکم وجوب قضا و کفارہ بر افطار کننده عمدی پرداخت.

گفتیم که مفطرات صوم هنگامی مفطر هستند که فرد عمدا آنها را مرتکب شود. در آخر بحث مفطرات به دلیل روایات متعددی که در فروعات این مسائل وارد شده است مطالبی را مطرح می‌کنیم. مواردی از قبیل مکیدن انگشتر و یا چشیدن غذا و امثال آن.

مساله: حکم استهلاك خون و امثال آن در دهان برای روزه دار

مسئله ی بعد این است که صاحب عروة می‌فرماید: إذا امتزج بريقه دم و استهلك فيه يجوز بلعه علي الأقوي و كذا غير الدم من المحرمات و المحللات و الظاهر عدم جواز تعمد المزج و الاستهلاك للبلع سواء كان مثل الدم و نحوه من المحرمات أو الماء و نحوه من المحللات فما ذكرنا من الجواز إنما هو إذا كان ذلك علي وجه الاتفاق.

اگر چیزی مانند خون با آب دهان مخلوط شود و مستهلك شود و هکذا هر چیزی دیگر اگر مستهلك شود بلعیدن آن اشکال ندارد. چون عرفا به آن فقط آب دهان می‌گویند و نه خون و یا چیز دیگر.

بعد صاحب عروة اضافه می‌کند که ظاهر این است که نباید عمدا بگذارد چیزی با آب دهانش مخلوط شود که بعد از مستهلك شدن آن را ببلعد. فقط در صورتی که اتفاقاً چنین شود جایز است.

بررسی مساله از دیدگاه آیت الله نوری همدانی:

تحلیل عرفی

بحث به این بر می‌گردد که باید دید که نظر عرف چیست؟ آیا صرف اینکه عرف بگوید که او فقط آب دهان را بلعیده است کافی است یا آنکه باید دقت به خرج داد و گفت او در حقیقت بخشی از خون و مانند آن را بلعیده است. البته عرف گاه دچار مسامحه می‌شود که باید آن را مد نظر داشت. در بعضی موارد نظر عرف متبع و قابل قبول است و شارع در آن موارد موضوعات را به عرف واگذار می‌کند مثلاً در جایی که می‌گوئیم تغییر طعم و ریح و رنگ آب کر به اوصاف نجاست موجب نجاست کر می‌شود. در اینجا عرف تصمیم می‌گیرد که آیا آب تغییر کرده است یا نه هرچند ممکن است با دقت بسیار و استفاده از وسائل خاص فهمید که آیا تغییری در آب حاصل شده یا نه ولی فهمیدن تغییر با این وسائل ملاک نیست.

عرف در مواردی که مثلاً يك من گندم می‌خریم و در آن کمی خاک هست در اینجا عرف مسامحه می‌کند ولی این مسامحه را در وزن طلا به کار نمی‌برد.

حال باید دید در ما نحن فيه چه باید کرد آیا نظر عرف ملاک است که اگر وقتی به آب دهان می‌نگرد فقط آب دهان ببیند بگوئیم بلعیدن آن اشکال ندارد.

دیدگاه و استدلال آیت الله نوری همدانی

به نظر ما بلعیدن آن اشکال دارد زیرا بالاخره خونی وجود دارد و او بلعیده است. بله نجاست در باطن موجب نجاست نمی‌شود ولی بلعیدن آن برای روزه دار جایز نیست و بلعیدن خون هر چند مستهلك شده باشد حرام است زیرا استهلاك موجب نابودی آن مقدار از خون نمی‌شود.

مساله ای دیگر:

کلام صاحب عروة: فصل: المفطرات المذكورة كما انها موجبة للقضاء كذلك توجب الكفارة اذا كانت مع العمد و الاختيار من غير كره و لا اجبار من غير فرق بين الجميع حتى الارتماس و الكذب على الله و على رسوله بل و الحقنة و القىء على الاقوي

اکراه با اجبار چه تفاوتی دارد؟

فرق بین اکراه و اجبار این است که در اکراه فقط تهدید می‌کنند و فرد بعداً با اختیار خودش برای فرار از ترس عمل را انجام می‌دهد و مثلاً روزه اش را افطار می‌کند. ولی اجبار دیگر اراده و اختیار وجود ندارد و به زور مجبورش می‌کنند که عملی را انجام دهد.

حکم افطار در صورت اکراه و اجبار

در صورت اکراه و اجبار کفارہ ای وجود ندارد زیرا کفارہ برای پوشاندن گناه است ولی در این دو مورد گناهی وجود ندارد. بله در هر دو صورت قضاء لازم است.

وجوب قضا و کفارہ در افطار عمدی

در مورد اینکه هر وقت فردی از روی عمد و اختیار روزه را افطار کند هم باید قضا کند و هم کفارہ دارد.

روایت باب:

این حکم در روایات مختلف بیان شده است:

وسائل ابواب ما يمسك عن الصائم باب 8:

ح 1: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ أَفْطَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا يَوْمًا وَاحِدًا مِنْ غَيْرِ عَدْرٍ قَالَ يُعْتَقُ نَسْمَةً أَوْ يَصُومُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ يُطْعِمُ سِتِينَ مِسْكِينًا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ تَصَدَّقْ بِمَا يُطِيقُ

این خبر صحیح است و همچون اصلی در باب است و دلالت این روایت کاملاً شفاف است.

کلمه افطار دارای معنای خاص است یا عام:

در اینجا چند بحث وجود دارد یکی این است که آیا این اختصاص به افطار دارد؟ زیرا افطار در لغت به معنای اکل و شرب است. حال آیا این روایت در کذب علی الله و یا حقنه و امثال آن صدق می کند یا نه و آیا شارع اینها را هم افطار می نامد یا نه.

آیه الله خوئی می فرماید: در وجوب کفاره فقط از افطار سخن به میان آمده است ولی در روایات ما لفظ افطار تمامی مفطرات روزه را شامل می شود.

صاحب جواهر می فرماید: افطار در لغت فقط به خوردن و آشامیدن می گویند و سایر مفطرات را شامل نمی شود و برای سایر مفطرات باید به سراغ دلیل دیگر رفت.

صاحب عروة همان گونه که کلامش گذشت تمامی مفطرات را در این حکم داخل می داند و قائل است که همه ی آنها اگر از روی عمد و اختیار باشد موجب قضا و کفاره است.

امام رحمه الله قائل است که علی الاحوط در کذب علی الله کفاره و قضاء هست و هكذا در ارتماس و حقنه و سایر موارد و می فرماید که قیء علی الاقوی موجب کفاره نیست.

ح 2: وَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْقَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا فَقَالَ إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ هَلَكْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مَا لَكَ قَالَ التَّارَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَ مَا لَكَ قَالَ وَقَعْتُ عَلَيَّ أَهْلِي قَالَ تَصَدَّقْ وَ اسْتَغْفِرْ فَقَالَ الرَّجُلُ فَوَ الَّذِي عَظُمَ حَقُّكَ مَا تَرَكْتُ فِي الْبَيْتِ شَيْئًا لَا قَلِيلًا وَ لَا كَثِيرًا قَالَ فَدَخَلَ رَجُلٌ مِنَ النَّاسِ بِمِكْتَلٍ (ظرفی که در آن خرما قرار می دهند) مِنْ تَمَرٍ فِيهِ عِشْرُونَ صَاعًا يَكُونُ عَشْرَةَ أَصْوُعٍ بِصَاعَتَا (از آنجا که صاع در زمان ها فرق می کرد حضرت فرمود که صاع در زمان حضرت در زمان ما این مقدار بوده است) فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص خُذْ هَذَا التَّمَرَ فَتَصَدَّقْ بِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَيَّ مِنْ أَتَصَدَّقُ بِهِ وَ قَدْ أَحْبَبْتُكَ أَنَّهُ لَيْسَ فِي بَيْتِي قَلِيلٌ وَ لَا كَثِيرٌ قَالَ فَحَدَّثَهُ وَ أَطْعَمَهُ عِيَالَكَ وَ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ قَالَ فَلَمَّا حَرَجْنَا قَالَ أَصْحَابُنَا إِنَّهُ بَدَأَ بِالْعَيْتُقِ فَقَالَ أَعْتِقْ أَوْ صُمْ أَوْ تَصَدَّقْ در این حدیث هرچند فرد در زمان روزه مرتکب جماع شده بود ولی از آن به افطر تعبیر کرده است.

نظر آیت الله نوری همدانی: کلمه افطار دارای معنای عام است.

کلمه ی افطر در این باب در خبر 4، 6، 10 و 11 به کار رفته است و در مواردی در غیر از اکل و شرب استفاده شده است از این رو افطار به معنای افساد صوم است.

هكذا در باب دهم از ابواب ما یمسك عنه الصائم روایات دیگری وجود دارد:

ح 1: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ إِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ سَوْسِ التَّيْسَابُورِيِّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قَتَيْبَةَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ قُلْتُ لِلرَّضَا ع يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ رُوِيَ عَنْ آبَائِكَ ع فِيْمَنْ جَامِعٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ أَفْطَرَ فِيهِ ثَلَاثَ كَقَارَاتٍ وَ رُوِيَ عَنْهُمْ أَيْضًا كَقَارَةٌ وَاحِدَةً فِي أَيِّ الْحَدِيثَيْنِ نَأْخُذُ قَالَ بِهِمَا جَمِيعًا مَتَى جَامِعَ الرَّجُلُ حَرَامًا أَوْ أَفْطَرَ عَلَيَّ حَرَامٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَعَلَيْهِ ثَلَاثُ كَقَارَاتٍ عَيْتُقُ رَقَبَةٍ وَ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَابِعَيْنِ وَ إِطْعَامُ سِتِّينَ مَسْكِينًا وَ قِضَاءُ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ إِنْ كَانَ نَكَحَ حَتَّى لَا أَوْ أَفْطَرَ عَلَيَّ حَتَّى لَا فَعَلَيْهِ كَقَارَةٌ وَاحِدَةٌ وَ إِنْ كَانَ نَأْسِيًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ در سند این روایت بعضی مانند حمدان بن سلیمان توثیق نشده اند.

در این حدیث جامع در مقابل افطر قرار داده شده است که نشان می دهد افطر فقط به معنای خوردن و آشامیدن است و صاحب جواهر بر مدعایش به این حدیث تمسک می کند.

منبع: شبکه اطلاع رسانی اجتهاد